

سوما کاویانی بہار 2001

(من کیستم)

بنگرید ای مردمان بنگرید

این منم

این منم در قفس جبر

این منم مادر تو

فقط یک زن

یک التجا

یک فریاد

بنگرید ای مردمان بنگرید

این منم زندانی بیداد

فقط یک خواہری ناشاد

یک آرزو

یک دعا

چشمان خونین بگشاید

آہ های مردمان

این منم دختری تان

در پنجه شیاد

بر قفسم میکشید

گاہ بر سنگم میزنید

آہ آہ-----

سنگسارم میکنید

جرم چیست کہ حلاج وار بر دارم می کنید

ہمیشہ قربانی حادثات من بودہ ام

اگر در بنگلہ دیش نور جہانم

در افغانستان-----

زرمینه و حلیمه ام که سنگ سار شده ام
اگر در بنگله دیش کالی دیوی بودم
فقط برای پنجاه دالر آتشم زدند
در غزنی صالحه ام
در فراه راحله ام
مرا شوهرم به آتش میکشد
من حرفه گلم با طفلی در بطن
که ایورم به آتش میکشد
بشنوید ای مردمان بشنوید

این فریاد طفل منست که پیش از تولد میسوزد
این جسم بیگناه من و این آتش نمرود
بشنوید برای خدا این حزینانه سرود
بنگرید بر این دود

من اگر در ایران هما دارابی ام
در میهن تو ای هم وطن

ژاله اجلال منم
لیدا منم
نادیه انجمن منم
شمیم بی نوا منم

من در لبنان عروس جنوبم
لباس سرخ شهادت بر تنم
من سنایم!

لیک در میهن تو، ای هم وطن
شیر زن قهرمان شرقم
خونین کفن پر افتخار منم
من مینایم!

که در فلسطین گاه جمیله اش می گویند

و گاه-----

لیلا خالدش خطاب می کنند

لیک لیلای میهن تو منم

ملالی های تو منم

آری ... فقط یک زن

مادری تو!

دیگر هیچ چادری مرا پنهان نمی کند

دیگر هیچ دیواری مرا حیران نمی کند

دیگر هیچ قفس مرا پریشان نمی کند

من ابراهیمم که آتش را برایم گلزار میکنم

دیگر جسم فولادین من ، قطره خون

به پای سنگهای توقربان نمی کند

آری من خواهری تو ، مادری تو

دختری توام ای هموطن

که همه سد ها را بشکسته ام

و چو طوفان خشم آگین

درخت استبداد را از بیخ میکنم!

* * * * *